

نشریه دانشکده ادبیات تبریز

سال دوم

فروردین ماه ۱۳۴۸

شماره اول

بقلم آقای حاج حسین نججوانی

عبدالرزاق بیگ دنبلی

متخلص به «مفتون»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکی از بزرگترین دانشمندان و ماسخن سرایان آذربایجان در دوره فتحعلی شاه قاجار مرحوم عبدالرزاق بیگ متخلص بمفتون است خلف نجفقلیخان دنبلی (۱) بیگلر بیگی سابق تبریز بود عبدالرزاق بیگ در سال ۱۱۷۶

۱- نجفقلیخان دنبلی پدر عبدالرزاق بیگ از رجال بزرگ و عظمای طایفه دنباله بود در اوایل بیگلربیگی تبریز بود و در اواخر کریمخان زند حکومت تبریز را عهده دار شد در عمران و آبادی تبریز زحمت بسیار و رنج فراوانی کشیده برج و باروی تبریز و دروازه های شهر از آثار آن مرحوم است که در سال ۱۱۹۴ با تمام رسانیده این اشیاء و ماده تاریخ اتمام برج و باروی تبریز از طرف حاجی آقا بابای همدانی گفته شده که در کتیبه های بالای دروازه کجیل باخط جلی مسطور و اکنون نیز پیدا است بقیه در صفحه بعد

قمری در شهر خوی متولد و در ده سالگی در زمان کریمخان زند عوض برادر بزرگش فضلعلیخان بعنوان گروگان بشیراز جلب و چهارده سال تمام بطور حبس نظر در شیراز متوقف بود در اینمدت آنی از تحصیل علم و کسب کمالات غفلت نکرده و دائما فکرش در پی تحصیل علوم بود تا در اثر جودت ذهن و ذوق سرشاری که به تحصیل علم داشت بمدارج عالیہ ترقی نایل و در اندک زمانی از کتب فصیحای عرب و عجم و قواعد ارباب حکم اطلاعی کافی و بهره وافی حاصل نموده و اغلب اوقات در مجالس دانشمندان و فضلا و محاضر علما و ادبا حاضر میشد برادرش فضلعلیخان دنبلی در اثر زلزله سختی که در سال ۱۱۹۴ قمری در تبریز واقع و باعث تلفات زیادی شده بود در گذشت همچنین نجفعلیخان پدرش نیز که در آنزلزله از پایش مجروح شده بود در سال ۱۱۹۹ وفات کرد پس از فوت

بقیه از صفحه قبل

زهی اساس مشید که باد تا باید
ز برج باره آن در تحیر است سپهر
خدیبو ملک عدالت نجفعلیخان آنک
که در نگارش این قلعه در زمان قلیل
نشان زد سکندر چو داد تاریخش

ز حادثات زمان در امان سبحانی
که شد پیا ز عنایات خان خانانی
مفوض است بر او رونق جهانبانی
نموده همت وی معجز سلیمانی
خرد بگفت (حصار سکندر ثانی)

۱۱۹۴

ایضا در تاریخ بنای قلعه تبریز حاجی هادی متخلص به نسبت از شعرای آن زمان این قطعه و ماده تاریخ را گفته که در کتیبه‌های بالای دروازه محله خیابان مسطوراست چو گشت از گردش چرخ جفاکیش خدیو معدت آئین نجف خان سکندر وار سدی بست محکم بتاریخش رقم زد کلمک نسبت

اساس قلعه تبریز بر باد
که داد معدت اندر جهان داد
که مثلش کنش ندارد در جهان یاد
که باشد حصنی از یاجوج حساد
(زنو سد سکندر گشته آباد)

۱۱۹۴

کریمخان زند عبدالرزاق بیک در شیراز بود تا وقتیکه علیمرادخان زند بر سر صادقخان برادر کریمخان زند لشکر کشید و شیراز را مستخر نمود. محبوسین آذربایجان از شیراز باصفهان آمدند در ربیع الاول ۱۱۹۹؛ علیمرادخان در گذشت و آقامحمدخان قاجار باصفهان آمده محبوسین آذربایجان را که عبدالرزاق بیک نیز جزو آنان بود مرخص و اجازه داد که باوطن خود بروند عبدالرزاق بیک با آذربایجان آمده چندی مشغول تالیفات خود بود تا در زمان عباس میرزا نایب السلطنه که بوی کمال توجه و التفات زیاد داشت بمنسب استیفا و شغل نویسندگی ارقام دیوانی نایل گردید در سنه ۱۲۴۱ بمکه معظمه مشرف شده و بالاخره در سنه ۱۲۴۳ در سن شصت و هفت سالگی در تبریز دارفانی را وداع گفت

مرحوم عبدالرزاق بیک مرد ادیب و دانشمند فاضلی بود اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده‌ای داشت در نظم و نثر پارسی و تازی مسلط و بر نکات ادب و معرفت شعرا و روایات عرب اطلاع کامل داشت اکثر اوقات خود را با مطالعه و مذاقه میگذرانید استاد محترم آقای ملک الشعراء بهار در کتاب (سبک‌شناسی یا تاریخ تطور فارسی) جلد ۳ صفحه ۳۲۰ در قسمت پیروان سبک قدیم در پایه فضل و کمال مرحوم عبدالرزاق بیک چنین نوشته (عبدالرزاق بیک در مدت اقامت در شیراز کتابی بنام (حدایق الجنان) سرگذشت خود و ترجمه علما و فضلای معاصر و داستانهای از کریمخان زند و خانواده او نوشت و بعد همان کتاب را بار دیگر دستکاری کرده نامش را «تجربة الاحرار و تسلیة الابرار» نهاد این کتاب یکی از شاهکارهای قرن دوازدهم هجریست و بشیوهٔ بین شیوهٔ و صاف و گلستان شیخ علیه‌الرحمه تحریر یافته و تمام مزایای فنی گذشته را در هر دارد و میتوان آنرا از جمله آثار دانست که مربوط پرستار ادبی و بازگشت بسبک قدیم است سبک عبدالرزاق بین شیوهٔ جوینی

و وصاف و شیخ علیهم‌الرحمه است و در شعر نیز به شیوه متقدمین از شعرای عراقی و سلجوقی متمایل است و در نثر و نظم از بزرگان پارسی‌زبانان میتوان شمرد در شعر مفتون تخلص میکرد و چنانست که بابل هزار دستان بوستان ادب گوید

ترکان پارسی گویخشند گان‌عمرند ساقی بشارتی ده پیران یار سا را
و در نثر و نظم تازی نیز دست داشته در تضاعیف کتاب مذکور عبارات و ابیاتی از بروزات طبع خود می‌آورد که بر فضل او دلیلی روشن و بر احاطه او بادیات عجم و عرب برهانی متقن تواند بود

مرحوم میرزا علی آقای نقة الاسلام تبریزی نیز در کتاب خود موسوم به (مرات‌الکتب) (۱) در اسامی مؤلفات شیعه ذکری از مرحوم عبدالرزاق بیک دنبلی نموده که عین آن نوشته میشود (صفحه ۴۰۲) مرات‌الکتب (عبدالرزاق بیک بن نجفقلی خان دنبلی کان فاضلاً مفسراً ادیباً شاعراً منشاءاً جامعاً للعلوم و کان فی اوایل امره محبوساً بشیراز عندالکریمخان زند بعنوان حبس‌النظر خوفامن والده نجفقلیخان حیث کان دائماً فی تبریز مستقلاً لایبالی علی کریمخان و غیره فلما توفی کریمخان نم نجفقلی خان و تشتت الامور کما هو داب‌الاعصار و الدهور التزم صاحب‌الترجمه باب‌سلاطین قاجار و اشتغل‌التالیف وله تالیفات حسان من التواریخ و غیرها و منها تاریخ المائر السلطانیه) الخ

بالجمله عبدالرزاق بیک عمر خود را در تالیف و تصنیف باخر رسانیده و تالیفات زیاد و گرانبهایی از خود بیادگار گذاشت اسامی تالیفات آن مرحوم بقراریست که ذیلاً نگاشته میشود

۱ - (حدایق الجنان) که شامل سرگذشت او در شیراز و دارای تراجم

۱ - نسخه نفیسی ازین کتاب در کتابخانه آقای میرزا محمد آقا نقة الاسلام تبریزی

موجود و دارای هفت مجلد است نگارنده آنرا دیده‌ام هنوز بچاپ نرسیده

احوال شعرا و فضیلتی شیراز و معاصرین او میباشد و شمه‌ای از احوال کریمخان زند تا ظهور آقامحمدخان قاجار ذکر کرده است چند سطری از حکایات حدایق الجنان برای نمونه نشر ادبی آن مرحوم ایراد میشود (۱)

حکایت

حکایت کرد که با جمعی از اهل وجد از راه نجد عازم بیت‌اله شدیم از شوق وصال کعبه مشتاقان خارمغیلان بر قدم کل و سمن بود و لاله تمنا در ریاض خاطرها میدمید و خار بطحا دامن دل میکشید رفقا گفتند که در قبیله نجد دختری قبله اهل وجد آمده در . جمال و کمال چون سلمی و لیلا چندین پرستارش در خیل است و دلها بنظاره حسن آن دلربا مانند مقناطیس در میل و خیم آن زیبا خرام از راه منحرف بود و میل اعنه و مطایا و جمال رفقا باعث تاخیر از جمان کعبه کمال میشد و زبان رهروان خجسته خصال گویا باینمقال (ساربانان نشان کعبه کجاست - که بعردیم در بیابانش) پای راه پیمایان در هوای آن ماه سیما در گل و من از جدایی یاران پریشان دل الخ ۲ - (تجربه الاحرار و تسلية الابرار) که پس از ذکر مختصری از حسب و نسب طایفه دنبلیان (۲) و تراجم احوال عده‌ای از علما و معاریف شعرای

۱ - از کتاب سبک شناسی تألیف استاد محترم ملک الشعراء بهار جلد ۳ صفحه ۳۲۱ در ذیل همین کتاب در صفحه ۳۲۱ مسطور است این مرد فاضل بخط خود همه جا تمنا و تسلا و مانند این کلمه را که در تازی بیاء مقسوره نویسنده بالف نوشته

۲ - راجع بشرح حال طایفه دنبلیان در دانشمندان آذربایجان چنین مسطور است بنا بنکارش تواریخ و سیر حسب و نسب دنبلیان به یحیی برمکی منتهی میشود و مشارالیه چهار پسر داشته است جعفر محمد فضل موسی این آخری از اولاد اووالی شامات بوده و در آنجا ۱۵۰ سال سلطنت کرده اند عیسی بیک نام از این خانواده ابو موسی نانی لقب داشته است بلعه دنبال و سگمان آباد آمده شبوه تجرد و تفرد پیش گرفته و پس از زمانی اکسراد دنبلی که از سی هزار خانوار متجاوز بوده اند دست

معاصرین و قسمتی از نظم و نثر خود را نیز نگاشته این کتاب را در سنه ۱۲۲۸ قمری خاتمه داده و راجع بزلزله سخت تبریز (۱) که در سنه ۱۱۹۴ واقع

بقیه از صفحه قبل

ارادت باو داده و اعقاب او مدتها در آنسامان حاکم و فرمانرمای آنطایفه شده قطور و آواجق و غیر آنها در تصرف آنان بوده و تا ظهور سلطان حیدر استقلال داشته اند پیرموسی دنبلی در سنه ۳۶۰ و امیر جعفر ملقب به شمس الملک متوفی در تاریخ ۵۵۵ هجری از مشایخ این سلسله بوده و مقبره آنان در خارج شهر خوی فاصله دو هزار ذرع از آن واقع شده و مناره کله آهو که در پهلوئی آن مقبره ار دور نمایان است از آثار همین شمس الملک معروف بوده و از بقایای آن عهد است امیر عیسی پدر شمس الملک و امیر یحیی جد وی که هزار و دوست تکیه و خانقاه در اطراف آذربایجان و شام بنا نهاده نیز از مشایخ این سلسله میباشد امیر خداداد خان و امیر احمد خان و حیران خانم دنبلی و سلطانه خانم نیز از معاریف این سلسله محسوب بوده و قسمتی از مآثر و تألیفات آنان باقی است امیر کبیر محمود خان از مشایخ این سلسله تاریخی تا سنه ۱۰۰۵ و یکی دیگر از آنها نیز تاریخی علیحده برای دنبلیان تا سنه ۱۲۵۸ نوشته اند و غیر از این نسخ خطی مختصری هم در جهاننما و شرفنامه و آثار الشیعه راجع بتاریخ و رجال اینطایفه نوشته شده و هر سه کتاب چاپ شده اند

۱ - در تاریخ این زلزله میرزا مسلم ایروانی قدسی تخلص این اشعار و ماده تاریخ را گفته کنبد شنب غازان تا این تاریخ برپا بود لیکن در این زلزله بکلی منهدم و از بین رفت

شب شمه کان سلخ ذیحجه بود
 ز قهر خداوند جبار حق
 شدت بلرزه در آمد چنان
 بزیر زمین رفته در دم فرو
 نه آثار گنج از گجیل باز ماند
 بیک جنبش آن شهر دیرینه رفت
 به تخمین متوفیان صد هزار
 دل از محنت این غم آمد بجان
 نه تنها کسان را فرو برده خاک
 به قدسی چینی گفت پیر خرد
 گذشته ز شب ساعتی در حساب
 فتاده به نبض زمین اضطراب
 که شد شهر تبریز همچون سراب
 اساس بناهای عالی قیاب
 نه از شنب غازان نشات تراب
 بیاد فنا چون بنای حساب
 در این روزه ضایع شد از شیخ و شاپ
 جگر ز آنشرایت بلا شد کباب
 بسا جمع را برده از گریه آب
 که تاریخ آن گشته (قصر خراب)

شده شرحی درین کتاب بدین قرار نوشته (شب شنبه غره محرم الحرام سنه اربع و تسعین و مائه بعدالاف یکساعت از شب گذشته بناگاه حاش للسامعین زمین گران تمکن بشدت متزلزل گردید که اثار عالیها سافلها پدیدار گشت و در بیک آن شورنشور واهمه قیامت موعود در جهان آشکار شد از گنبد غازانی (شب غازان) و مسجد امیر چوبان و بنای مسجد جهانشاه تر کمان بجز اطلال باقی نماند و قریب صد و بیست هزار نفر از شهر و نواحی در آن قضیه سر در نقاب تراب کشیدند

۳- (حدیقه) ایست مشتمل بشرح حال شعرای عرب و معانی بعضی از اشعار آنها بزبان فارسی

۴- (روضة الاداب و جنة الالباب) مشتمل است بشرح حال شعرای عرب و بیان نوادر اشعار و اقوال آنان بزبان عربی و نسخه بسیار نفیس خطی از آن کتاب در کتابخانه آقای میرزا محمد آقائقه الاسلام تبریزی موجود است نگارنده آن را دیده ام در سنه ۱۲۲۳ شروع و در ۱۲۲۴ تمام کرده است و اول کتاب اینست (الحمد لله الذی و شح صدور الالسنه بوشاح الفصاحة و زین نحدور الاقلام بقلاده البلاغه عجز عن تعداد آلائه فصحاء العدنان و قصر عن تذکار نعمائد بلغاء القحطان الخ)

۵- (حقایق الانوار) بزبان فارسی عبارت است از شرح حال شعرای عرب و عجم و حل معضلات و نکات اشعار آنها و این کتاب را در سنه ۱۲۳۰ تالیف کرده

۶- (حدایق الادباء) بزبان فارسی مشتمل است بر ۲۳ حدیقه متضمن منشآت و مطارحات عرب و عجم و فصاحت و بلاغت اقوال آنان و سیاحت ملوک و آداب وزراء و اصول دین و اخلاق و تواریخ و لغات و غیره که آنرا در سنه ۱۲۳۲ بنام عباس میرزا نایب السلطنه تالیف کرده است نسخه ای

نیز از این کتاب در کتابخانه آقای ثقة‌اسلام تبریزی موجود است
۷- (نگارستان‌دارا) تذکره ایست مشتمل بر شرح حال شعرای دوره

فتحعلی شاه که در سنه ۱۲۴۱ تألیف کرده

۸- (مأثر سلطانی) (۱) بزبان فارسی مشتمل بر آثار و وقایع سلطنت

فتحعلی شاه از زمان جلوس تا سال ۱۲۴۱ و آن کتاب در تبریز در سنه

۱۲۴۱ در اولین مطبعه سربی تبریز چاپ شده و این اولین مطبعه سربی بود

که در عهد نایب‌السلطنه عباس میرزا ما بین سنوات ۱۲۳۲ - ۱۲۳۴ به تبریز

رسیده و اولین کتابی که در آن مطبعه چاپ شده رساله جهادیه میرزا عیسی

قائمقام بزرگ برد در آخر کتاب مأثر سلطانی راجع به آن مطبعه چنین

نکاشته شده (از یمن تأییدات الهی و فیض فضل نامتناهی در زمان دولت ابدی

شاهنشاهی نواب ولیعهد شهریار تاجدار جمیع تصنیفات بلاد فرنک را در

ایران متداول ساخته گنجهار بخت و صنمهای غریبه و فنون عجیبه برانگیخت

از جمله مهندس و مهندس‌خانه ساخته و نظم نظام را بصورت جدید تشکیل

داد از جمله تصنیفات غریبه عمل انطباع بود که او را با سه گویند و این

نسخه جدید که موسوم به مأثر سلطانی است در دارالانطباع دارالسلطنه تبریز

باهتمام کار گذاران سرکار حضرت ولیعهد بسوی و استادی جناب ملا محمد

باقر تبریزی که از معاریف این ولایت است بتاریخ او آخر شهر رجب المرجب

سنه هزار و دویمت چهل و یک هجری شرف اتمام پذیرفت و انشاءالله تعالی

صواب در احوال خاقان بیهمال را بعد ازین تاریخ در جلد دیگر محرر و در باسره

خانه رفته مطالعه کنندگان از و بهره‌یاب خواهند شد

۱- کتاب تاریخ نو تألیف جهانگیر میرزا پسر نایب‌السلطنه عباس میرزا ذیل

همین کتاب مأثر سلطانی است که اخیراً بسوی و تصحیح استاد محترم آقای عباس اقبال

اشعریانی چاپ و منتشر شده

۹- ترجمه فارسی (عبرت نامه) است که از ترکی بفارسی ترجمه کرده و خطی آن نزد نگارنده موجود است و در نظر است در آتیه همین کتاب بچاپ برسد و این کتاب تاریخ آمدن افغانه بایران و انقراض دولت صفویه را حاکیست این کتاب از لاتینی به ترکی و از ترکی بفارسی ترجمه شده اصل مؤلف آن فاطر کروسینسکی لهستانی است که مدت ۲۶ سال در اصفهان بوده و قضایای ورود افغانه بایران و تسلیم شاه سلطانه حسین را بچشم خود دیده و نوشته است

۱۰- (جامع خاقانی) در تاریخ و مآثر فتحعلی شاه قاجار نسخه ممتازی از آن در کتابخانه ملی تهران موجود است

۱۱- (شرح مشاعر) ملا صدرا است نسخه از آن بخط خود آن مرحوم در کتابخانه مجلس موجود است

۱۲- (مثنوی ناز و نیاز) است که اولین بیت آن کتاب اینست

بنام آنکه جانرا زیب جان داد بجانها زینت عشق نهان داد

۱۳- (مختارنامه) منظوم است که غزوات مختار ابن ابی عیبه ثقفی را

بطرز شاهنامه فردوسی بنظم آورده بیشتر از پنج هزار بیت است و در سال

۱۲۴۰ قمری این کتاب را با تمام رسانیده چنانچه در این شعر گوید

چوبگذشت سال از برم شصت و چار عمر را دیده شد ابر بیجاده بار

نسخه خطی ازین کتاب نزد نگارنده موجود است چند بیت از بعضی

قسمت های آن کتاب نوشته میشود

اول کتاب مختارنامه

سر نامه نام خداوند بیاک کزو جان پاک آمد این مشت خاک

ز تیره زمین تا بتابنده ماه همه هست بر هتی او گواه

جهان آفرین از جهان برتر است جلاش ز کون و مکان برتر است

در نعت حضرت سید المرسلین و رسول رب العالمین صلوات الله وسلامه علیه

و آله اجمعین

رسول مهینش رسول امین
 خداوند قران خداوند تور
 خداوند شمیر و معراج و تاج
 پیام آورش جبرئیل امین
 صباح ازل آفتاب پسین
 خداوند گیهان خداوند نور
 گرفته ز کیخسروان تاج و باج
 فنا گسترش آسمان آفرین
 در تاسف ناظم بر عمر گذشته که گردش سنین و شهر رخت رحلتش
 بر در هشته

دریغا که ایام شادی گذشت
 کجا رفت روز جوانی درینغ
 دلم بود بویا چو مشک تنار
 کجا آن من و یک جهان خرمی
 چو مرغ خزان دیده کشتم مگر
 در وصف فردوسی طوسی و مدح ملک الشعراء فتحعلی خان صبا و آغاز داستان مختار نامه
 کنون من به نیروی طبع بلند
 بیندم کمان سخن را چو زه
 سخن سنج پیشینه دانای طوس
 ز شهنامه اش رسم سحر آشکار
 پس از وی صبا در سخن پادشاه است
 که چشم سخن از صبا در ضیا است
 غزالان معنی در آرم به بند
 ز هر گوشه بر خیزد آواز زه
 بیار است روی سخن چون عروس
 جهان از کلامش چو خرم بهار
 بدان سان که باد سحر که بدشت
 چه شد مایه شادمانی درینغ
 زمن بزم یاران چو خرم بهار
 دلم بر غم و دل پی بیغمی
 بسکنجی فرو برده سر زیر پر

۱۴ - مثنوی مفصلی است که در اواخر عمر در بحر رمل ساخته و

بهمین میرزا در تذکره خود از آن نقل کرده است

۱۵ - کلیات دیوان و غزلیات آن مرحوم است بعضی از قطعات و قصاید

او نوشته میشود این قصیده در مدح فتحعلی شاه از جمله قصاید او است

قصیده

تعالی الله کرا باشد چو تو منظور خوش منظر

سمن سیمار سنبل موی و سوسن بوی و سترین پر

زخیل خو پرویمان سہی قامت نرا دیدم
 پری دیدار و گل رخسار و خوش گفتار و مہ پیکر
 لب و زلف و خط و چشم تو ای رشک سیہ چشمان
 شکر ریزو عبیر آمیزو عنبریز و غارت گر
 دریغ از روز وصل تو کہ دورم از تو و دارم
 بسر خاک و بکف باد و بچشم آب و بدل آذر
 بجان زارمن رحمی کہ باشد درغم عشقت
 بلب آہ و بدل نالہ بتن داغ و بجان اخگر
 سزد گویم کہ باغ خلد دارم چون ترا دارم
 کہ تو حوری رخت جنت قدت طوی لببت کوثر
 ربودی از کف من دین و دل زان طره مشکین
 نمیترسی مگر از عدل شاہنشاہ دین پرور
 شہ گیتی ستان فتحملی شہ آنکہ فرمانش
 بود جاری بانس و جان بود ساری بہ بحر و بر
 اساس جاہ او والا بنای عدل او محکم
 نسیم لطف او گلشن سموم قہر او آذر
 بریزد در صف جنک از نہیبش سرگرانانرا
 زہر جوشن زتن خفتان ز کف صارم ز سر مغفر
 ہنر بارای او منضم خرد در ذات او مدغم
 سخا بادست او توأم ادب در طبع او مضمیر
 الا تا کردش کردون و دور اختران باشد
 بود او در جہان سلطان بود او در جہان سرور

وله فی الموعظة والحكمة

روزى سر از دريچه همت بر آورم	زین کاخ تا بسکنگره عرش بر برم
حوران در انتظار من و من ز ابلهی	از زال پر فریب جهان عشوه میخرم
آماده گشته ساغر ز قوم در جحیم	من در هوای مطرب و مینای ساغر
گر مفلسم ز گوهر شادی از آن چه باک	بنگر ز اشک دانه یاقوت احمر
بر مایه ام اگر چه ز زر نیست مایه ام	گر مفلسم وای ز قناعت تو انگر
خاموش و نکته سنج بمالم چو سوسنم	آزاد و سربلند به دوران چو عمرم

وله فی النصایح

چشم حیلت بین بسی داری بکار	چشم عبرت بین اگر داری بیار
چند خسبی رفت اینکب قافلہ	بوی خون می آید از این مرحله
کعبه دل معبد اهل وفا است	کعبه دل مقصد اهل صفا است
کس نخواهد زیست در دام هوس	مانده است این خانه از بسیار کس
ای بسا باد صبا در بسوستان	بسرگل و سنبل وزد بی دوستان
رفته ما یکبار کئی از یادها	خاکب ما را برده هر سو بادها

در تعریف شراب گفته

گر یافتی خضر از ازل قدر شراب ناب را

بگذشتی از عمر ابد دریافتی (۱) این آب را

۱۶ - (ریاض الجنة) است مشتمل بر تاریخ سلسله دنباله نسخه‌ای از آن کتاب در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است و نوشته‌اند که در تصنیف کتاب زینة التواریخ تألیف میرزا محمد رضی مستوفی متخلص به بنده خلف الصدق میرزا شفیع مرحوم تبریزی که از کیومرث ناعهد فتحعلی شاه قاجار تاریخ مفصلی است

مرحوم عبدالرزاق بیك نیز شرکت داشته یکی دیگر از تألیفات آن مرحوم تفسیری است که از فاتحه‌الکتاب تا آخر سوره بقره نوشته لیکن عمرش وفا نکرده و نامم مانده است در تفسیری که پسرش بهاء‌الدین محمد بن عبدالرزاق تألیف کرده در اول کتاب به تفسیر نامم پسرش اشاره کرده و نوشته که اگر حیات باقی باشد بقیه آن تفسیر را خواهد نوشت نسخه‌ای از تفسیر بهاء‌الدین محمد بن عبدالرزاق در کتابخانه آقای سلطان‌الفرای تبریزی موجود است مرحوم بهاء‌الدین محمد نیز از جمله علما و فضلاء تبریز محسوب و اذیب سخنور و سخن شناسی بود یک تفسیر دیگری بزبان عربی نوشته که از مجلدات آن نیز نسخه‌ای در کتابخانه آقای ثقة‌الاسلام تبریزی موجود است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی